

مادر تو کیستی

در زیر نام پاک تو

خوانم کدام نام

من هیچ در اصالت تو پی نبرده ام

روزی که آمدم

تو کردی ترک من

من دیده ام جهان پُر از رنگ و پُر ز شور

بی رنگی ای جهان ترا

من ندیده ام

مادر ترا ندیده ام

احساس کرده ام

مادر ترا فقط ز کسان من شنیده ام

مادر شنیده ام....

که چو خورشید روی تست

این یکه تهمت است

روی تو...

من ز نور حقیقت کشیده ام

گویند قامت تو...

چو سرویست در چمن

نی نی دروغ محض

من قد تو...

به سرو بلندی ندیده ام

چشم تو جام سرخ می ناب گفته اند

می میرم از غضب

هزیان گفته اند

چشم تو جام نیست

پناه خانه منست

آغوش پُر ز مهر تو دنیا شمرده اند

ای وای، ای خدا

این مأمَن جهان

بس تار و کوچک است

آغوش تو فراغ تر از کائینات اوست

فردوس در قدوم تو افتاده، مادرم

ای مادر، ای خیال

برگو تو کیستی؟

زادی مرا که نعمتی بودم برای تو

اما ترا چی حق...؟

کز من ربایی نعمت آن لایزال را

تو بودی نعمتم

گشتی زمن جدا

کردی مرا رها

من از اصالت تو ندانم که چیستی؟

مادر تو کیستی؟

یک نور ذات حق؟

یا یک فرشته ای که بهشت است جای او

مادر بگو به من

ای هستی بخش من

تو رب که نیستی

اما پس از خدا تو خدایی به خلقتم

پس گو به اصالت ذاتت که چیستی

هستی خدا مگر؟

من می ندانم

مادر تو کیستی؟

که من می پرستم

صالحه و هاب و اصل

(واهب)